

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند هستی نواز
خداوند گیتی، خداوند راز
خداوند یاس و گلِ یاسمن
خداوند پروانگانِ چمن
خداوند باران، خداوند نور
خداوند رنگین کمان‌هایِ دور
خدای نسیم و خداوند باد
خداوند شبنم به گلبرگ شاد
خداوند مردم، خداوند مهر
نوازنده‌ی هر سرود سپهر

درآمدی بر
ترجمه و معنانشناختی قرآن

حمید احراری

یادآوردان
تهران- ۱۳۸۹

فهرست مطالب

یادآوری و سپاس	۱
مقدمه	۵

فصل اول: چشم انداز حقیقت (۹- ۵۶)

۱- چشم انداز حقیقت	۱۱
۱-۱- زبان و حقیقت	۱۴
۱-۲- زبان و بیان	۱۸
۱-۳- معنا ، ساختار و کاربرد	۲۱
۱-۴- اتیمولوژی و فیلولوژی	۲۵
۱-۵- دلالت و کاربرد زبان	۳۰
۱-۶- سپهر کلام و سپهر اندیشگی	۳۳
۱-۷- پدیدارشناسی نص	۳۵
۱-۸- سازگاری و همبستگی معناشناسیک	۳۷
۱-۹- اراده و معنا	۴۰
۱-۱۰- کشف افقهای مشترک و همزبانی	۴۳

- ۱۱-۱- معنانشناسی ایمازی - تعاملی..... ۴۷
- ۱۲-۱- معنانشناسی طیفی: کاربرد تئوری Z..... ۵۴

فصل دوم: فرایند معنانشناسی (۵۷- ۷۸)

- ۲- فرایند معنانشناسی..... ۵۹
- ۱-۲- گام نخست: تحلیل ساختاری..... ۶۱
- ۲-۲- گام دوم: اتیمولوژی و فیلولوژی..... ۶۳
- ۳-۲- گام سوم: بررسی سیاق نص..... ۶۵
- ۴-۲- گام چهارم : زمینه‌شناسی..... ۶۷
- ۵-۲- گام پنجم: بررسی سنت‌های تفسیری..... ۶۹
- ۶-۲- گام ششم: ایمازشناسی تعاملی..... ۷۲
- ۷-۲- گام هفتم: ایمازشناسی تطبیقی..... ۷۶

فصل سوم: نمونه، ترجمه‌ی معناشناختی سوره‌ی نبأ (۷۹- ۱۰۲)

- ۳- نمونه: ترجمه‌ی معناشناختی سوره‌ی نبأ..... ۸۱
- ۱-۳- زمینه..... ۸۲
- ۲-۳- تبارشناسی و معنانشناسی واژگان سوره‌ی نبأ..... ۹۰

پیوست‌ها (۱۰۳- ۱۴۶)

- منابع و مآخذ..... ۱۰۵
- فهرست اعلام و واژگان تخصصی..... ۱۳۹

یادآوری و سپاس

کودکی چهار ساله بودم، که برای آموختن قرآن مرا به مکتب‌خانه فرستادند. زنی سخت‌گیر، که زندگی فقیرانه‌اش را از آموزش قرآن تأمین می‌کرد، آیات "عمّ جزء" (بخش سی‌ام قرآن) را برای ما می‌خواند و ما، پسران و دختران خردسال، آواز معلم خویش را تکرار می‌کردیم، بی‌آنکه بدانیم معنای آنها چیست.

در آن مکتب‌خانه، نغمه‌ی قرآن و هم‌آوایی کودکان، چنان مؤثر افتاد که پیش از خواندن و نوشتن، آهنگ آیات را آموختم. صبح‌ها تکه‌ای نان و خربزه‌ای کوچک (چارجو) را با خود می‌بردیم تا به اصطلاح، ناشتایی بخوریم. آواز قرآن و مزه‌ی چارجو و نان بیات و بوی خاک باران‌خورده‌ی کوچه‌های محله‌ی "سیچمچه"، هنوز با من است. در سال‌های دبستان، برای مادرم که قرآن را به لهجه‌ی گیلکی می‌خواند، ترتیل می‌کردم تا در جلسات دوره‌ی قرآن، الفاظ را به‌درستی ادا کند. مادر بزرگی داشتم مانند آینه، که خداوند را در همه‌جا می‌دید، در آفتاب و ابر و درخت و همه‌ی پرندگان آسمان. مادر بزرگِ مهربان، نوه‌ی بازیگوش‌اش را که در خردسالی خواندن را آموخته بود، به آغوش می‌کشید تا برایش قرآن بخواند و آن جویبار مهر، انگشتانش را بر روی کلمات می‌کشید تا مهر پروردگار را همچون گونه‌ی نوه‌ی خردسالش لمس کند.

در سال‌های دهه‌ی شصت، در حلقه‌ی نواندیشان دینی، بازخوانی سنت‌های دینی و تفسیر قرآن، موضوع اصلی جلسات خانگی بود. در آن سال‌ها به حلقه‌ی درس قرآن‌پژوه معاصر آقای دکتر پیمان پیوستم. او در جلسات قرآنش، افق‌های جدیدی را پیش روی شاگردانش می‌گشود. دکتر پیمان، در زیرزمین کوچه‌ی تایباد، جسارت نواندیشی، رهایی از رسوبات روزگار جاهلی و خرافات صفوی را به شاگردانش می‌آموخت.

سال‌ها گذشت، گاهی تلخ و گاهی شیرین؛ آمیزه‌ای از مرگ و زندگی و اینک من مانده‌ام و ابر سفیدی از همه‌ی آن خاطرات. در گذار از کوچه‌های خاکی "سییچمه" تا "زیرزمین تایباد"، معمای فهم قرآن، همچنان با من است. در این روزها، هنوز به آن آیه‌ی نخست (عم یتسائلون) می‌اندیشم. آن پرسش‌ها، پرسش‌هایی از "چیزی دیگر" نیست، از خویشتن خویش است، از آن من که همیشه با ماست. با این پرسش‌ها زندگی می‌کنم، تا شاید در لحظه‌ی دیدار، پاسخ خویش را بیابم. این یادداشت‌ها، درآمدی است بر همان معمای نخست، که زندگی و هستی ما را با خود سراسیمه به هر سو می‌کشد و در این کشاکش زیستن و نگاشتن، ما را در هستی زبان، با دیگران هم‌خانه می‌سازد؛ درآمدی است بر ترجمان هستی ما و راهی که من برای معناشناسی می‌شناسم؛ همین!

اگر هم‌راهی‌های همسر فداکارم حمیده ابراهیمی و تشویق‌های دوست مهربانم آقای دکتر مسعود پدرام نبود، این سیاه‌مشق که در کمند وسواس و پرهیز گرفتار شده بود، هرگز عرضه نمی‌شد. نقدهای آقای دکتر علی‌اکبر احمدی افرجانی در باب روش‌شناسی و رهنمودهای آقای دکتر احمد خالقی در زمینه‌ی زبان‌شناسی فلسفی و غوامض فلسفی ویتگنشتاین مرا مدیون ساخته است. از این پس مدیون معلمانی خواهم بود، که این نوشته را نقد کنند.

سپاس خدای را در آغاز و انجام کار

حمید احراری

مقدمه

ترجمه‌ی معناساختی قرآن

مقدمه

نوشته‌ای که پیش روی شماست، درآمدی است بر کتابی با عنوان «ترجمه‌ی معناشناختی قرآن». هدف از ارائه‌ی این بخش، پیش‌نهاد الگویی است که بتوان با بررسی آن، در باره‌ی اصول معناشناسی و روش ترجمه‌ی قرآن به گفتگو نشست. نگارنده، پیش از آنکه بخواد ترجمه‌ی جدیدی عرضه کند، درصدد است که روش کار خود را در گفتگو با دیگران، منقح سازد. از این‌رو، پیش از نشر کتاب، بخش نخست (درآمدی بر ترجمه معناشناختی قرآن)، برای نظرخواهی و نقد آماده شد، تا مبانی و روش‌های نگارنده، در فراگرد هم‌اندیشی، به محک نقد، پیرایش و با رهنمایی قرآن‌پژوهان و اندیشمندان، ویرایش شود.

گذار از امروز به سوی کوچه‌باغ‌های اعصار و ادوار، خواننده‌ی قرآن را فراسوی تأویل می‌برد، اما می‌توان به جای تفسیرهای متعارف، با ترجمه‌ی معناشناختی، افقی گسترده‌تر گشود. تفاوت ترجمه معناشناختی و تفسیر، همچون تفاوت درس انشاء و درس املاء است. در انشاء، سبک‌ها، اصول و زمینه‌های نگارش و قواعد نوشتن آموخته می‌شود؛ اما کسی که انشاء را آموخته، ممکن است چیزی بنویسد که هرگز در "راهنمای نگارش" نبوده است و شبیه هیچ انشای دیگری، نباشد. انشای هر کس، مانند اثر انگشت و شبکیه‌ی چشمانش، یگانه و بی‌همتاست. اما در درس املاء، مقرر است که همه، یک جور بفهمند و یک جور بنویسند.

توضیح در باره‌ی تفاوت ترجمه‌ی معناشناختی و تفسیر بسیار دشوار است. می‌توان گفت که ترجمه‌ی معناشناختی، «تفسیرِ تفسیر‌پذیر» است. به بیان دیگر، چنین ترجمه‌ای را، می‌توان بارِ دیگر تفسیر کرد. ترجمه‌ی معناشناختی، آن گونه که مدّ نظر نگارنده است، امکانی را فراهم می‌سازد تا یافته‌هایی نوین، جز آنچه مترجم دریافته، کشف شود.

هر ترجمه، با هر خوانش، بار دیگر ترجمه می‌شود. زیرا، ما در گفتگوی درونی و ذهنی نیز مترجم هستیم. «گفتن و بیان کردن در خود، ترجمه‌اند. ترجمه‌ای که هسته‌ی آن ارتباطی ندارد به این که واژه‌های ترجمه شده و واژه‌هایی که باید ترجمه شوند، به زبان‌های گوناگونی تعلق دارند.» [هایدگر ۷۴۱/۱] این ترجمه، پیش‌نویسی برای گفتگو و بازتفسیر است. زیرا «ترجمه‌ی اصیل همواره، در هر گفتگو شکوفا می‌شود.» [پیشین]

در اظهار هر گزاره، نوعی تفسیر و گزینش وجود دارد. گزینش یک خبر از میان دهها خبر، بر فرایند و براینده تفهّم مؤثر است. بدین لحاظ بین گزاره‌های اخباری و امری، تفاوت ماهوی وجود ندارد. گزینش یک خبر از میان اخبار متنوع، نوعی حکم ناگفته یا نانوشته با خود دارد که به طور ضمنی از رویه‌ای اخلاقی یا نظریه‌ی انتخاب، حکایت می‌کند. همه‌ی ما تماشاگران صحنه‌ی غبارآلود هستیِ خویشیم و نمی‌توانیم جز با گرفتن دست‌های یکدیگر، از تیرگیِ این کویر طوفانی بگذریم؛ گوهر اخلاقی گفتگو، همان اراده‌ی صدق است، برای گذر از غبار هستی.

در حاشیه‌ی این ترجمه، سعی شده است اطلاعاتی که تا امروز معدودی از دانشوران با آن آشنا بوده‌اند، در اختیار قرآن‌پژوهان گذاشته شود و این رویکردی اصلی در این پژوهش است. "ترجمه‌ی معناشناختی قرآن"، ترجمه‌ای است بر اساس اصول معناشناسی، که با تعلیقاتی از بررسی‌های ادبی، تاریخی، اتیمولوژیک و فیلولوژیک همراه و جا به جا، ناچار از گزینش‌هایی است. اما اگر برگزیدن یک خبر، با گزارش سایر اخبار مخالف همراه باشد، این امکان را فراهم می‌سازد که اندیشگران نکته‌سنج و تیزبین، آنچه را گزارشگر ندیده است، ببینند و نادیده‌ها را به دیگران بنمایانند. می‌توان از لابلای اخبار، با نکته‌سنجی و تیزبینی، نادیده‌های تفسیرپذیر را مشاهده کرد. اگر بتوان از

دستاورد قرن‌ها هم‌اندیشی و هم‌نشینی با قرآن، جُنگی از دیدگاه‌های فراهم آورد، گامی است به سوی گفتگوی روشنگرانه در زمینه‌ی قرآن.

این ترجمه را، می‌توان نوعی معناشناسی هرمنوتیک به شمار آورد، زیرا هر ترجمه‌ای در حقیقت، نوعی تفسیر است. هرمنوتیک نه فقط فن تفسیر متون رازآمیز دینی و عرفانی و در کلی‌ترین شکل، هم‌عرض با فیلولوژی (*philology*) و نه مقوله‌ای ذیل شناخت‌شناسی [آفرینش و آزادی/۴] بلکه معادل "تأویل" با همه‌ی پیشینه‌ی نظری آن است.